



شبیه سازی انسان

پدیدآورنده (ها) : خادمی کوشا، محمد علی

حقوق :: نشریه نقد کتاب فقه و حقوق :: پاییز ۱۳۹۵ - شماره ۷

صفحات : از ۵۳ تا ۶۰

آدرس ثابت : <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1222246>

تاریخ دانلود : ۱۴۰۲/۰۷/۲۰

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



مقالات مرتبط

- شبیه سازی انسان در فقه شیعه
- شبیه سازی انسان از دیدگاه شیعه؛ بررسی چهار دیدگاه
- شبیه سازی انسان
- بررسی فقهی نسب کودک پدید آمده از تلقیح مصنوعی
- نگاهی به علل صلح امام حسن علیه السلام با معاویه
- نقد اصل قابلیت جبران کلیه خسارات در حقوق مسؤولیت مدنی ایران
- تعارض اصل و ظاهر
- تحلیل انتقادی استقلال تدلیس در پیدایش خیار فسخ نکاح
- پژوهشی در مفهوم و حجیت ارتکاز متشرعه در بیان فقیهان شیعه
- طلاق حرجی و نقد آرای محاکم در این زمینه
- نسب و ارث جنین آزمایشگاهی
- بررسی وضعیت نسب طفل ناشی از جانشینی در بارداری

عناوین مشابه

- شبیه سازی انسان از منظر دین
- شبیه سازی انسان با نگاهی به دیدگاه امام خمینی (س)
- علم و تکنولوژی: شبیه سازی انسان
- شبیه سازی انسان، پی آمدها و عکس العمل ها
- شبیه سازی انسان از دیدگاه فقه اهل سنت
- حقوق جهانی شبیه سازی درمانی انسان؛ جدالی کرامت مدار در عرصه حقوق بین الملل زیستی - پزشکی
- مطالعه تطبیقی شبیه سازی انسان از منظر فقه شیعه و اهل سنت
- شبیه سازی انسان و دیدگاه های مقامات و مراجع دینی
- چالش های حقوق بشری شبیه سازی انسان
- احکام فقهی و حقوقی مترتب بر استفاده از سلول های بنیادی و DNA به منظور شبیه سازی و تغییرات ژنتیکی در انسان

شبیه‌سازی انسان

● محمدعلی خادمی کوشا

عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی / khademi.50@gmail.com

چکیده

در عرصه‌های جدید فقه‌پژوهی مسئله شبیه‌سازی انسان به گونه‌های مختلف در سال‌های اخیر موضوع تحقیقات فقهی قرار گرفته‌است. اخیراً نیز محمدباقر محمدی لائینی با سفر به عراق و دیدار با حوزه نجف اشرف به بررسی فقهی مسئله شبیه‌سازی انسان همت گمارده و حاصل تلاش‌های خود را با نام بررسی فقهی شبیه‌سازی انسان منتشر کرده‌است. مقاله حاضر به درخواست فصلنامه نقد کتاب فقه و حقوق به بررسی و نقد این کتاب پرداخته‌است. برایند تحقیق نشان می‌دهد که کتاب مذکور علی‌رغم تلاش علمی فراوان و حصول موفقیت‌هایی در مباحث موضوع‌شناسانه، به‌دلایل شکلی و محتوایی که در این مقاله ذکر شده، نتوانسته‌است به اهداف خویش برسد و هنوز در این زمینه جای خالی تحقیقاتی که از روش استنباط فقهی و ادله‌ای متقن بهره‌مند باشد، خالی است.

کلیدواژه

شبیه‌سازی انسان، مسائل مستحدثه، استنساخ، تلقیح مصنوعی، کلونینگ، همزادسازی.

۱. مقدمه

یکی از عرصه‌های نو در فقه‌پژوهی، مسائل مستحدثه‌ای هستند که زاییده پیشرفت دانش فقه و تکنولوژی به‌شمار می‌روند. این مسائل پیوندگاه دانش فقه و تکنولوژی‌اند. یکی از این مسائل، مسئله شبیه‌سازی است. شبیه‌سازی به گونه‌های مختلف در سال‌های اخیر موضوع تحقیقات فقهی و حقوقی قرار گرفته و در قالب کتاب‌ها، مقاله‌ها و پایان‌نامه‌ها و برگزاری همایش‌ها و نشست‌ها در سطح حوزه و دانشگاه تبلور یافته‌است.



■ محمدی لائینی، محمدباقر. (۱۳۹۵)، بررسی فقهی شبیه‌سازی انسان: با محوریت نظرات علما و صاحب‌نظران حوزه علمیه نجف اشرف، تهران، شرکت انتشارات علمی فرهنگی، ۱۳۶ ص. ۸۰۰۰۰ ریال.
شابک: ۶-۸۱۵-۱۲۱-۶۰۰-۹۷۸

فصلنامه نقدکتاب

فقه و حقوق

سال دوم، شماره ۷
پاییز ۱۳۹۵

۵۴

در راستای حرکت علمی مذکور نوشته‌ای نیز اخیراً با نام بررسی فقهی شبیه‌سازی انسان به جهان دانش قدم گذاشته‌است. نویسنده این کتاب، آقای محمدباقر محمدی لائینی با تلاش فراوان ضمن سفر به عتبات مقدسه در عراق و دیدار با برخی فقیهان حوزه نجف اشرف به بررسی فقهی مسئله شبیه‌سازی انسان همت گمارده و این کتاب حاصل تلاش‌های ایشان است. اخیراً از سوی فصلنامه نقد کتاب فقه و حقوق به کتاب مذکور توجه شده و این مختصر به درخواست مسئولان فصلنامه یادشده به بررسی و نقد آن مبادرت کرده‌است.

۲. معرفی کتاب

کتاب یادشده در قطع پالتویی در یک پیشگفتار ۳۰ صفحه‌ای و متنی ۹۰ صفحه‌ای در قالب پنج فصل تدوین یافته‌است. در فصل اول کلیاتی در خصوص شبیه‌سازی و تاریخچه آن ذکر شده‌است، فصل دوم به بررسی وضعیت علمی و سیاسی شبیه‌سازی در عصر حاضر پرداخته‌است؛ فصل سوم محاسن و معایب شبیه‌سازی را مطرح کرده‌است؛ در فصل چهارم که قسمت اصلی کتاب تلقی می‌شود، از حکم فقهی شبیه‌سازی سخن رفته و به نقد و بررسی مجوزان و منتقدان شبیه‌سازی پرداخته‌است. در نهایت در فصل پنجم به پرسش‌هایی در زمینه انسان شبیه‌سازی شده پاسخ داده‌است.

مؤلف ارجمند پس از بررسی دلایل منتقدان هیچ‌کدام را کافی ندانسته؛ اما باین حال در سخن نهایی خود شبیه‌سازی را مرجوح دانسته‌است؛ زیرا موجب تضییع مواد آفرینش انسان شده و موجب روی آوردن به روش غیرطبیعی و فاصله‌گرفتن از نظام زوجیت و تشکیل خانواده است.

ویژگی ممتاز کتاب مذکور این است که توانسته در مجموعه‌ای مختصر مطالب ارزشمندی را در خصوص موضوع‌شناسی فقهی در پاسخ انسان ارائه دهد.

۳. نقد کتاب

۳-۱. نقد ساختاری و شکلی کتاب

هر پژوهشی نیازمند ساختاری منسجم و برخوردار از اصول اساسی تحقیق است تا براساس آن، هدف تحقیق را به‌خوبی دنبال کند. چه بسیار تحقیقات علمی ارزشمندی که در اثر فقدان ساختار خوب در رسیدن به هدف خود درمانده‌اند.

علاوه‌بر طراحی ساختار، در آغاز نوشتار به‌منظور تبیین مطالبی برای ورود به موضوع اصلی، مقدمه‌ای لازم است. مهم‌ترین محورهای مطالب مقدماتی عبارتند از: تبیین موضوع و بیان مشکل در قالب سؤال‌های پژوهشی، بیان هدف و ضرورت تحقیق، بررسی پیشینه و روش تحقیق و بیان ساختار تحقیق. با نگاهی به فهرست و مطالب کتاب می‌توان به ملاحظات دست یافت:

۱. در مباحث مقدماتی بحثی در خصوص ساختار کتاب و توجیه آن وجود ندارد؛
۲. از بیشتر مباحث مقدماتی غفلت شده‌است؛ مثلاً برای تبیین موضوع فقط در قسمت پیشگفتار سخن رفته و تنها به همین جمله اکتفا شده که تحقیق حاضر به‌منظور تبیین فقهی مسئله شبیه‌سازی انسان انجام یافته‌است. یا مثلاً با وجود این‌که مطالبی تحت عنوان چستی و اهمیت شبیه‌سازی ذکر شده؛ اما به اهمیت و ضرورت آن توجهی نرفته و به‌جای اثبات اهمیت تحقیق، به اهمیت اصل موضوع اشاره شده‌است.
۳. فصل‌های کتاب از ناهمسانی در حجم رنج می‌برد؛ مثلاً فصل دوم فقط ۶ صفحه است و فصل چهارم تقریباً ۵ برابر آن است.
۴. برخی از فصل‌ها، مثل فصل دوم در واقع جزء مطالب فصل اول است و مستقل بودن این فصل برای خواننده توجیه نشده‌است. با توجه به کم‌حجم بودن ارتباط محتوایی آن با فصل اول، می‌توان این دو فصل را در یکدیگر ادغام کرد.
۵. در پایان کتاب هیچ نتیجه‌گیری و پیشنهادی ارائه نشده‌است.

۳-۲. نقد محتوایی

نویسنده سعی کرده‌است، مطالب کتاب خود را با ترتیب منطقی و محتوایی فراگیر مطرح سازد و مسئله شبیه‌سازی را به‌طور کامل بررسی کند. با

مطالعه مطالب ارائه شده ملاحظاتی به نظر می‌رسد:
۱. مطالب خارج از موضوع خیلی زیاد است؛ مثلاً عنوانی به نام رسالت حوزه‌های علمیه و دانشگاه‌ها آورده شده و ذیل آن به یک‌سری بایدها و نبایدها بدون استدلال و بدون ذکر منبع علمی و صرفاً به شکل دستوری یا خطابه‌ای اشاره شده است.

۲. در نوشتار پژوهشی لازم است روش تحقیق و روش جمع‌آوری و تحلیل داده‌های علمی بیان شود؛ در حالی که در این کتاب بیشتر به گزارشی از محل تحقیق و گزارش تاریخی سفر و بیوگرافی برخی شخصیت‌ها پرداخته شده و در خصوص حوزه نجف توضیحاتی آمده که نزدیک ۲۰ درصد حجم کتاب را به خود اختصاص داده است، در حالی که این مطالب هیچ مشکلی را در مسئله تحقیق حل نمی‌کند.

۳. مقدمه‌ای تحت عنوان «نقد بحث‌های حوزوی پیرامون شبیه‌سازی» آورده شده که در آن از بیان فتوای بدون استدلال و عدم انعکاس تحقیقات در فضای رسانه‌ای و مجازی و کمبود همایش نقد گلایه شده است؛ در حالی که اولاً ذکر استدلال و ادله در فتواها که برای عمل و برای سطح عمومی جامعه است، جایگاهی ندارد؛ مثل این که از پزشک خواسته شود دلایل نسخه را در نسخه بنویسد. روشن است که جای ذکر ادله در متون استدلالی است؛ ثانیاً با وجود تحقیقات، همایش‌ها، مقاله‌ها و پایان‌نامه‌هایی که در سال‌های پیش به انجام رسیده، چنین ادعایی حاکی از عدم توجه و بی‌خبری از تحقیقات علمی است.

۴. با وجود مقاله‌های متعدد فقهی به‌ویژه در شماره‌های متعدد مجله فقه اهل بیت (ع) از جمله مقاله آیت‌الله سیدکاظم حائری، پیشینه تحقیق ذکر نشده است و کتاب در بیشتر موارد به‌علت بی‌توجهی به پیشینه تحقیق، از اتقان کافی بهره‌مند نیست.

۵. وجود مطالب بدون سند و یا بدون استدلال از ارزش علمی کتاب به مقدار زیادی کاسته است؛ مثلاً در قسمت کلیات بیشتر مطالب ذکر شده یا فاقد منبع است و یا فقط از یک منبع (کتاب شبیه‌سازی انسان) استفاده شده و آمارها و نقل مطالب بدون آدرس و گاهی صرفاً به برخی منتقدان اسناد داده شده است. در فصل چهارم که به حکم شبیه‌سازی پرداخته، بیشتر مطالبی که تحت عنوان ادله جواز و دلایل منتقدان بیان شده است، بدون آدرس می‌باشد؛ در حالی که این قسمت کتاب بیشتر نیازمند استناد و استدلال است.

در نوشتار پژوهشی لازم است روش تحقیق و روش جمع‌آوری و تحلیل داده‌های علمی بیان شود؛ در حالی که در این کتاب بیشتر به گزارشی از محل تحقیق و گزارش تاریخی سفر و بیوگرافی برخی شخصیت‌ها پرداخته شده و در خصوص حوزه نجف توضیحاتی آمده که نزدیک ۲۰ درصد حجم کتاب را به خود اختصاص داده است

۴. نگاهی به بررسی حکم شبیه‌سازی

فصل چهارم کتاب موردنقد، به دلیل این که قسمت اصلی کتاب به شمار می‌رود و به بیان حکم شبیه‌سازی پرداخته است، اهمیت ویژه‌ای دارد. از این رو، به‌طور مستقل به مطالب این قسمت می‌پردازیم: نویسندگان سعی کرده‌اند در این قسمت به بررسی کامل حکم شبیه‌سازی بپردازند که ضمن ارج نهادن به تلاش ایشان مطالب ارائه‌شده از جهاتی قابل ملاحظه است:

۱. بهتر بود که ابتدا اصل اولی در حکم شبیه‌سازی، بررسی می‌شد که فایده این کار بر نویسندگان و پژوهشگران فقه پوشیده نیست.
۲. در آغاز بررسی حکم شبیه‌سازی در صفحه ۲۵ آمده است: «هر فعلی به دو لحاظ می‌تواند بررسی فقهی شود: یکی به لحاظ ذات فعل و دیگری به لحاظ آثار و نتایج آن»؛ در حالی که با اندکی توجه به کتاب‌های استدلالی فقهی درمی‌یابیم که در بررسی‌های فقهی برای شناخت حکم فقهی یک موضوع علاوه بر جهات ذکر شده از دیدگاه‌های دیگر نیز بررسی می‌شود؛ مثلاً در مباحث معاملات و حتی عبادات از جهات اسباب و مقدمات و نیز لوازم آن‌ها بررسی و تحلیل می‌گردد تا بتوان حکم فقهی آن را برای مکلفان بیان کرد. بر همین اساس، در مورد مسئله شبیه‌سازی نیز علاوه بر بررسی خود عمل شبیه‌سازی و آثار آن، اسباب و مقدمات و لوازم آن بررسی شده و در فرض جواز، همه قائل به جواز شده‌اند.
۳. بر اساس مطالب فوق لازم بود که در مراحل بررسی فقهی غیر از توجه به آثار، به اسباب و لوازم آن هم توجه می‌شد.

۵. نقد ادله جواز شبیه‌سازی

از آن جاکه نویسنده ۱۰ دلیل برای اثبات جواز شبیه‌سازی بیان کرده و به نقد آن‌ها پرداخته است، به اختصار به بررسی این ادله می‌پردازیم:

۱. در دلیل اول به ذکر آیات حلیت و اباحه پرداخته است؛ ولی در این دلیل و برخی از دلایل دیگر هیچ استنادی به کتاب‌های فقهی دیده نمی‌شود، بلکه به کتاب‌های تفسیر در حالی که مقتضای روش فقهی استناد به آرای فقیهان است. ضمن این که این دلیل صرفاً اصل عملی است و تا جایی کارایی دارد که دلیلی بر عدم جواز پیدا نشود. به همین دلیل، مقتضای روش فقهی این است که این دلیل به عنوان آخرین دلیل ذکر شود، نه اولین

دلیل. البته به این دلیل در تأسیس اصل و اثبات اصل اولی می‌تواند توجه شود.

۲. در دلیل دوم برای اثبات جواز شبیه‌سازی به اطلاق آیه شریفه «نساءکم حرث لکم» استناد شده‌است؛ درحالی‌که آیه شریفه در مقام بیان وظیفه شوهران و آداب مباشرت و همبستری است و استفاده کردن از این آیه برای جواز عمل شبیه‌سازی بر روی زن، بسیار خلاف ظاهر و دور از فهم عرف است.

۳. در دلیل سوم اصل اباحه و حلیت و... ذکر شده و به‌همان ادله یادشده در دلیل اول ارجاع داده که این تکرار دلیل اول است و دلیل جدیدی نیست.

۴. در دلیل چهارم نظر اکثر فقیهان بر جواز شبیه‌سازی را به‌عنوان دلیل جواز شرعی ذکر کرده‌است؛ درحالی‌که اولاً حتی به یک منبع فقهی آدرس نداده‌است و ثانیاً از مسلمات فقهی است که رأی اکثریت صاحب‌نظران را نمی‌توان به‌عنوان دلیل ذکر کرد و ارزش اثباتی ندارد، اگرچه به‌عنوان مؤید قابل ذکر است.

۵. در دلیل پنجم به اصل مطلوبیت علم، دانش و آموزش استناد کرده‌است که قطعاً خارج از محل بحث است؛ زیرا محل بحث در مسئله شبیه‌سازی، حکم آموزش و دانش شبیه‌سازی نیست؛ بلکه اعمال دانش و تصرف در جسم انسان و آفرینش اوست و معلوم است که مطلوبیت دانش جراحی به‌معنای جواز جراحی در هر موردی نیست؛ ضمن این‌که این دلیل بر فرض پذیرش، بازگشت به دلیل اول و سوم است.

۶. در دلیل ششم، آیات دستوردهنده به تدبیر و نظر به آفرینش را دلیل جواز شبیه‌سازی دانسته‌است؛ زیرا دستور به‌نظر در آفرینش ملازم جواز نتایج علمی به‌دست آمده از بررسی خلقت است و لازمه‌اش جواز شبیه‌سازی است؛ درحالی‌که معلوم نیست چگونه تشویق و دستور به آموختن یک دانش ملازم با اعمال دانش در هر موردی است؟ آیا پزشک جراح به‌استناد مطلوبیت دانش جراحی اجازه دارد در هر موردی جراحی کند؟ ضمن این‌که اساساً آن آیات شریفه به‌عنوان ارشاد به‌طریق خدانشناسی و پی‌بردن از وجود و عظمت مخلوق به وجود و عظمت خالق و شناخت ضعف انسان در برابر خلاق است.

۷. در دلیل هفتم و دلیل نهم به تعلق مشیت الهی به هرگونه روشی در پیدایش انسان استناد کرده‌است که این خود اصل نزاع است و نمی‌تواند به‌عنوان دلیل باشد.

برای اثبات جواز شبیه‌سازی به اطلاق آیه شریفه «نساءکم حرث لکم» استناد شده‌است؛ درحالی‌که آیه شریفه در مقام بیان وظیفه شوهران و آداب مباشرت و همبستری است و استفاده کردن از این آیه برای جواز عمل شبیه‌سازی بر روی زن، بسیار خلاف ظاهر و دور از فهم عرف است

۸. در دلیل هشتم به آفرینش حضرت آدم و حضرت عیسی استناد کرده‌است که چون خداوند خودش از راه غیرطبیعی انسانی را به وجود آورد، پس بر ما هم تولید انسان از راه غیرطبیعی جایز است. واقعاً این چه قیاس است و چه شباهتی بین دو طرف وجود دارد؟ رب الارباب کجا و مخلوق تراب کجا! آیا چون خداوند جان هر بشری را می‌گیرد، بر ما هم جایز است؟ و آیا چون خداوند دختر باکره‌ای را بدون تماس بشر، مادر می‌کند، بر انسان‌ها هم جایز است؟

۹. در دلیل دهم به مطلوبیت بچه‌داری و مطلوبیت شباهت داشتن فرزند به پدرش استناد شده و براساس آن شبیه‌سازی جایز دانسته شده‌است، چون هم تولید فرزند است و هم شبیه پدر. درحالی‌که گذشته از بطلان اصل استدلال، اساساً حکم اصل تولید فرزند، محل بحث نیست؛ بلکه حکم شیوه تولید محل بحث است.

۶. نگاهی به ادله عدم جواز شبیه‌سازی

در بخش بیان ادله عدم جواز شبیه‌سازی علاوه بر اشکال‌های شکلی نکته‌های محتوایی هم قابل ملاحظه است که در ذیل اشاره می‌شود:

۱. در صفحه ۳۱ ذیل عنوان «ادله عدم جواز شبیه‌سازی فی‌نفسه» مطالبی با عنوان دلیل اول آورده شده؛ اما در ادامه، دلیل دومی به چشم نمی‌خورد تا این‌که در صفحه ۳۷ عنوان دیگری بدون نمایه با نام «دلایل منتقدان شبیه‌سازی» و در ذیل آن نیز مطالبی با عنوان دلیل اول آورده شده‌است. این به هم‌ریختگی در عناوین و مطالب، موجب سردرگمی خواننده است.

۲. با وجود این‌که نویسنده ادله عدم جواز را در صفحه ۳۷ به منتقدان نسبت می‌دهد، اما برای دلایلی که ذکر کرده به منبعی ارجاع نداده‌است.

۳. تحلیل و نقد ادله جواز نیازمند تقویت فراوان است؛ خصوصاً که نویسنده پس از رد همه ادله عدم جواز با وصف این حال به جانب عدم جواز متمایل شده و البته نظر خود را با عبارت مرجوحیت شبیه‌سازی بیان کرده‌است.

در پایان باید اذعان داشت که نویسنده محترم واقعاً تلاش علمی درخوری را برای تحقیق متحمل شده‌است؛ خصوصاً در مباحث موضوع‌شناسانه موفقیت‌هایی داشته‌است؛ اما به دلیل بی‌بهره‌ماندن از روش تحقیق و عدم اتقان کافی و روشمند در استدلال‌های فقهی، نتوانسته به اهداف مناسب تحقیق فقهی نایل شود و هنوز جای خالی بررسی

در دلیل هشتم به آفرینش حضرت آدم و حضرت عیسی استناد کرده‌است که چون خداوند خودش از راه غیرطبیعی انسانی را به وجود آورد، پس بر ما هم تولید انسان از راه غیرطبیعی جایز است. واقعاً این چه قیاس است و چه شباهتی بین دو طرف وجود دارد؟ رب الارباب کجا و مخلوق تراب کجا!

فقهی در مسئله شبیه‌سازی احساس می‌شود و نیازمند تحقیقاتی دارای روش استنباط فقهی و ادله‌ای متقن است تا بتواند در سطح عالی حوزه‌های علمیه برای پژوهشگران فقه و مراکز تحقیق به‌عنوان منبعی قابل‌استفاده درخشندگی علمی داشته باشد.

فصلنامه نقدکتاب

نقد و مکتوب

سال دوم، شماره ۷
پاییز ۱۳۹۵

۶۰

